

نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران

آرتور کریستن سن، ترجمه احمد تفضلی، ژاله آموزگار
تهران، نشر نو.

«آرتور کریستن سن (۱۹۴۵ - ۱۸۷۵) ایران‌شناس و ایران‌دوست نامی دانمارک برای اهل علم و ادب و فرهنگ ایران از چهره‌های شناخته شده است. او در زمینه‌های گوناگون تاریخ، اسطوره‌شناسی، لهجه‌شناسی، داستانهای عامیانه و ادبیات کشور ما آثار گرانبهائی از خود به یادگار گذاشته است. ۲. از میان آثار او چند کتاب تاکنون به فارسی ترجمه شده است: ایران در زمان ساسانیان، وضع ملت و دولت و دربار دوره ساسانی، قباد و مزدک، کیانیان، مزدپرستی در ایران قدیم، و آفرینش زیانکار و غیره.»

«به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، کتاب ایران در زمان ساسانیان و کتاب «نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان» دو شاهکار او به‌شمار می‌رود. کریستن سن این اثر خود را در دو مجلد منتشر کرده است. جلد اول آن که در سال ۱۹۱۷ انتشار یافت^۱، مجموعه‌ای از سه بخش است: بخش اول و دوم آن اختصاص به گیومرث نمونه انسان نخستین و موشی و موشیانه اولین جفت بشر و فرزندان آنان دارد و بخش سوم جلد اول افسانه‌های مربوط به هوشنگ و تهمورث را دربر می‌گیرد. در جلد دوم این کتاب که در سال ۱۹۳۴ منتشر شده، سخن از اسطوره‌های جم و جمشید رفته است. روش کار نویسنده چنین است که نخست روایت‌های مربوط به این مسائل را از متون اوستائی و پهلوی و عربی و فارسی می‌آورد، سپس آنها را طبقه‌بندی می‌کند و به بحث در هر مورد آن می‌پردازد و با احاطه‌ای که به اسطوره‌های هند و اروپائی و سامی دارد، به نوعی اسطوره‌شناسی تطبیقی دست می‌بازد.»^۲

سخنان دکتر صفا درباره کرستن سن

استاد جلیل القدر دکتر ذبیح‌الله صفا در روز ۱۲ آذرماه سال ۱۳۲۴ در مجلس

1- Arthur Christensen.

۲- برای اطلاع از شرح زندگی، تمصیلات و آثار کریستن سن. رگ به مقاله دکتر فریون وهمن، یوما سال ۲۲، شماره‌های ۸۷، مهر و آبان ۱۳۴۸ (منقول از صفحه ۱ پیشگفتار مترجمان).

3- Les types du premier homme et du premier roi dans l'histoire legendaire des Iraniens.

۴- صفحه اول پیشگفتار ترجمان ترجمه فارسی دکتر احمد تفضلی و دکتر ژاله آموزگار - تهران نشر نو.

یادبود مرحوم کریستن سن در تالار فرهنگستان ایران گفت: «... در نخستین سده‌های دوره اسلامی، که هنوز ایران از تمدن دوره ساسانی متأثر و بهمین سبب در علم و تحقیق و تفکر و تعقل بمراتب از سده‌های واپسین نیرومندتر بوده است، بر اثر وجود منابع متعدد پهلوی و پارسی و یا کتابهایی که ایرانیان از روی متن‌های کهنه بنامی در آورده بودند، و نیز بسبب آنکه هنوز خاندانها و بعضی از طبقه‌های اجتماعی قدیم در بیشتر ناحیتهای این کشور با سنتها و شناختها و کیشهای پیشین خود زندگی می‌کرده‌اند، اطلاع آنان از ایران پیش از اسلام آسانتر و شوق و علاقه‌ئی که لازمه کسب این آگاهی-هاست بسیار زیادتر بوده است، اما از نیمه قرن پنجم هجری و خاصه از قرن ششم، بر اثر چیرگی‌های پیایی و دمامد قبیله‌های وحشی زردپوست، و حکومت یافتن غلامان، و غلبه سیاسی دینی و چیرگی عالمان مذهبی، و رواج روزافزون زبان تازی و دانشهای دینی، و بمیان آمدن تعصب و خشکی و سپس چیرگی وحشیان مغول و تاتار و ترکان جغتائی، و تاخت و تاز و کشتارها و چپاولها و از اینگونه عاملها، فاصله مات ایران با گذشته خود چنان ژرف شده که گذشتن از یکسوی بسوی دیگر آن هنوز هم دشوار می‌نماید. بتحقیق می‌توان گفت که آگاهی ایرانیان از قرن ششم هجری تا نیم قرن پیش، از ایران پیش از اسلام بسیار ناچیز و منحصر بافسانه‌ها و اطلاعات ناقص و گاه کودکانه بود. در مقابل، فرنگیان از قرن هفدهم میلادی بعد در رشته‌های گوناگون تاریخ و زبانها و ادبیات ایرانی، خاصه آنچه بدوره‌های پیش از اسلام وابسته است، به تحقیقهای سودمند پرداخته‌ئی دست زدند چنانکه حاصل کوششهای آنان در این راه خود کتابخانه بزرگی بوجود می‌آورد. با این کوششها ایرانیان نیز از خواب غفلت برخاستند و برای باز شناختن آن گذشته پرافتخار ولی فراموش شده بتکاپو افتادند و اکنون کم و بیش این تکاپو دنبال دارد، لیکن گاه از روش تحقیقی و علمی بیرون و مقرون به تعصب‌هایی است که شایسته اهل دانش نیست.

عقیده بسیاری از کسان که می‌خواهند آگاهی نسبت بایران پیش از اسلام را در دوره ما تجدید کنند آن است که علاوه بر آشنائی با مآخذ اصلی باید آثار ایرانشناسان بزرگ فرنگی بویژه آنها را که در زبانهای فرانسوی و انگلیسی و روسی نوشته شده است، بفارسی در آورند. این نظر درست است زیرا از این راه هم از حاصل کار نخبه ایرانشناسان بهره‌برداری خواهد شد و هم روش کار آنها مورد استفاده کسانی که بسا بامر تحقیق در ایران پیش از اسلام سرگرم خواهند شد، قرار خواهد گرفت.

کتابهای مرحوم آرتور کریستن سن از جمله همین کارهای برگزیده و او از ایرانشناسان پرکاری است که مسلماً می‌بایست همه آثار اساسی او را بیارسی در آورده، چنانکه تاکنون قسمتی از آنها به پارسی ترجمه شده و مورد استفاده طالبان قرار گرفته است...

... کسانی که در تاریخ و ادب و فرهنگ ایران رنج برده و با اطلاع از مشکلات عظیم، بر روشن کردن مبهمات آن همت گماشته‌اند، خوب می‌دانند که در این کشور دیرپای

کهنسال، از آنروزکه رهبران قوم «اری» خرد و بزرگ این قبیله را از آمویهدریا عبور می‌دادند، تا با امروز که ما بیاد یکی از دوستداران بزرگ ایران [مرحوم آرتور کریستن‌سن]، در این محفل [مجلس یادبود کریستن‌سن در فرهنگستان ایران، ۱۳۲۴ خورشیدی] اجتماع کرده‌ایم، چه حوادث عظیم گذشته و چه روزهای شادی و غم سپری شده است... از همان روزگاران نخست در شرق ایران وقایع بزرگی روی می‌داد، مهاجمان جدید پیاپی باین خاک روی می‌آوردند و می‌خواستند از این خوان گسترده اهورمزدا بهره بردارند. اما ایرانیان دلیر و گندآور از همان ایام مردانه می‌کوشیدند که میراث خود را دور از دستبرد اغیار باخلاف خویش بپسارند. زندگی ایشان در جنگ و ستیز با این مهاجمان و فرستادگان اهریمن می‌گذشت و پهلوانان و سرافرازانی از میان ایشان علمدار دفاع از خان‌ومان و آب و خاک برادران آریائی خود بودند. در همان حال نیز پایه‌های تمدن ایران نهاده می‌شد. تژاد فعال و آبادی‌دوست و هنرمند «هند و ایرانی» در این سرزمین که آثار لطف اورمزد و قهر اهریمن هر دورا درکنار یکدیگر دارد، با ایجاد آثار مدنی همت گماشت و بانمام عوامل اهریمنی بجنگ برخاست. بنابراین تاریخ افتخارات نیاکان ما و مجاهدات ایشان برای ایجاد ملیت و مدنیت ایرانی و حفظ آن، از همین اوان آغاز می‌شده و یاد این افتخارات و مجاهدات نیز از همان گاه باز، در خاطر ایرانیان محفوظ بوده است. حوادثی‌راکه پس از این ایام، از قبیل ظهور زرتشت، تشکیل حکومت ماد، پدید آمدن شاهنشاهی هخامنشی در ایران، روی داد، در حقیقت مکمل تاریخ ایران باید شمرده نه آغاز آن. از این قسمت از تاریخ ایران که بخطا سرآغاز تاریخ ایرانش می‌شمارند، از منابع آشوری و کلدانی و ایرانی و یونانی و ارمنی، کم‌وبیش اطلاعاتی بدست می‌آید. اما آنکه بواقع در تاریخ ایران رنج می‌برد نباید باین حد ناقص بسنده کند و گرنه راه را از نیمه آغاز کرده است. ماکه یک‌روز به پیروی از احادیث و روایات دینی و اساطیری و حماسی قدیم، تاریخ خود را بنحو مبهمی از عهد گیومرث و یا هوشنگ پیشداد آغاز می‌کردیم، پس از آشنائی با منابع یونانی و اروپائی، یکباره، و چون کودکانی که اگر طرفه‌ئی نو یابند تحفه کهن را از دست می‌نهند، روایات کهن را دور انداختیم و آنها را سراسر افسانه پنداشتیم و بگفتار استاد بزرگ طوس ننگریستیم که گفته است:

تو این را دروغ و فسانه مسدان بیکسان، روشن زمانه مسدان
این امر مدتی ادامه داشت تا برخی از مستشرقان ب فکر تطبیق تمام این داستانهای کهن بر تاریخ مادی و هخامنشی افتادند و از این طریق اندیشه‌های ناروای تازه‌ئی بمیان آوردند که چند گاهی از جانب ما نیز تأیید می‌شد. اما حقیقت امر همواره در مرحله ابهام باقی نماند عاقبت دانشمندان بزرگی پدید آمدند که صرف‌نظر از تاریخ‌مدون و مرتب ایران، روایاتی را که از اوستا تا شاهنامه و دیگر منظومه‌های حماسی دیده می‌شود، مورد توجه قرار دادند و بر آن شدند که در این باب نیز به تحقیقاتی بپردازند و اساس آنها، حتی امارات صحت یا عدم صحت آنها را معین کنند. در این جاست که نام استاد بزرگ آرتور کریستن‌سن یکباره بخاطر می‌آید و او چون قهرمانی بزرگ در این

میدان پهناور بی پایان دیده می‌شود.»^۵

یکی از مهم‌ترین آثار این «استاد قهرمان بزرگ» همین کتاب «نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران» است که مجلد اول آن با همت و پشتکار و بصیرت و دقت علمی دکتر احمد تفضلی استاد مسلم زبان پهلوی در روزگار ما، و با همکاری خانم دکتر ژاله آموزگار بانوی پرکار و فاضل و فروتن و دانشمند از زبان فرانسه به فارسی ترجمه شده و با تعلیقات و تحشیه کامل و بادقت نظر عالمانه در خصوص اعلام و خواندن کلمات و لغات و توضیحات کافی آن دو دانشمند ارجمند بزبور طبع و نعمت نشر آراسته گردیده است.

در خصوص این کتاب گرانقدر دکتر صفا فرموده است: «... استاد فقید [کریستن سن] در این تألیفات نهایت تعمق و دقت خود را آشکار ساخته و گاه در ابراز این صفت عالی علمی بدرجه‌ئی رسیده است که خواننده را بحیرت می‌افکند. این استاد بر اثر اطلاع از ادوار مختلف تاریخی و ادبی ایران و نیز در نتیجه احاطه کامل بر متون اوستائی و پهلوی و عربی و فارسی، و آگاهی از زبانهای معروف و مهم جدیداروپائی که تألیفات گرانهایی در باب ایران بدانها صورت گرفته، توانسته است بانهایت قدرت در هر رشته به تحقیق پردازد. بعقیده حقیر [دکتر صفا] مهمترین تألیفات این استاد بزرگ را باید در تحقیقات راجع بداستانهای ملی ایران و تاریخ و تمدن ایران در عهد ساسانیان جست‌وجو کرد و در همین دورشته است که این مرد دانشمند آخرین اطلاعات علمی دقیق را در کتب معتبری مانند: شاهنشاهی ساسانیان، سلطنت قباد و کمونیسیم مزدکی، یادداشتهائی در باب قدیم‌ترین ادوار آئین زرتشتی، تحقیق در آئین زرتشتی ایران قدیم، داستان بزرگمهر حکیم، آیا آئین زروانی وجودداشت، کیانیان، ایران در عهد ساسانیان، حماسه شاهان در روایات ایران قدیم و «نمونه‌های نخستین بشر و نخستین شاه در تاریخ باستانی ایرانیان» گرد آورده است...

... کریستن سن بداستانهای ایران و تحقیق در باب آنها علاقه خاصی داشت و شاید بر اثر همین علاقه و عشق وافر بود که به ترجمه شاهنامه استاد ابوالقاسم فردوسی بزبان دانمارکی پرداخت، و باز بر اثر همین علاقه است که استاد بزرگ بنگارش مقالات و تألیف رسالات و کتبی در این باب همت گماشت که از آن میان کتاب «نمونه‌های نخستین بشر و نخستین شاه در تاریخ داستانی ایران» و کتاب کیانیان از همه مهمتر بنظر می‌آید. در کتاب نخستین بشر و نخستین شاه که مجلد اول آن به سال ۱۹۱۷ دراستکهلم و مجلد دوم آن به سال ۱۹۳۴ بچاپ رسید، آرتور کریستن سن کوشیده است تمام روایات و اساطیر کهن ایرانی را در باب نمونه‌های نخستین فرد و نخستین خانواده‌های بشری و همچنین نخستین شاه که در داستانهای قدیم ایران وجود داشت نقل کند و مورد تحقیق و مطالعه قرار دهد. مجلد اول این کتاب خاص تحقیق در باب گیومرث، مشیگ و مشیانگ، هوشنگ و نهمورث است. در این مجلد نخست از داستان «گیه مرتن» و گاو «اوک دات» و تمام مطالبی که راجع بآن دو در اوستا و کتب معتبر پهلوی مانند: بندھشن کوچک، زات سپرم، دانستان دینگ، مینوگ خرت، دینکرت، ائوگمدچا، گنج شایگان،

واردای - ویرافنامک آمده است آغاز کرده و سپس اساطیر اسکاندیناوی و ایرانی را در این باب مقایسه نموده و بتحولاتی که این اساطیر در مذهب و آثار زرتشتیان پذیرفته است با توجه بداستان مشیگ و مشیانگ در کتاب خداینامک و منابع اسلامی، از کتب قدیم عربی گرفته تا آخرین کتب فارسی توجه نموده و آخرین تحولات این داستان را بر ما آشکار ساخته است. در باب داستان هوشنگ پیشداد و تهمورث زیناوند که باختلاف روایات نخستین شاه در داستانهای ایرانی شمرده می‌شوند، نیز همین روش استقرائی بکار رفته و مجلد دوم این کتاب که وقف برداستان «پیم خشت» یعنی «چم‌شید» می‌باشد بر این سیاق نگارش یافته است. این کتاب کریستن‌سن نخستین قسمت‌های بسیار مهم و تاریک از داستانهای ملی و حماسی ما را به بهترین صورتی روشن و دور از ابهام کرده است. کریستن‌سن در این کتاب اوقات شریف خویش را به یافتن نخستین بشر و نخستین قبائل بشری و نیز نخستین شاه وقف کرد و چون این کتاب را بدقت بخوانیم می‌توانیم عقائد ایرانیان را راجع به خلقت و تکوین مدنیت بشر بخوبی دریابیم. اما از نخستین سلسله داستانی ایران، که در داستانهای متأخرین پیشدادیان خوانده شده‌اند، در این کتاب تنها از هوشنگ و تهمورث و جمشید که هر یک در داستانهای ایرانی نخستین شاه شمرده شده‌اند، سخن رفته و مابقی سخنان استاد را در این باب باید در کتاب معروف دیگر او بنام (حماسه شاهان در داستانهای ایرانیان) یافت...

... یکی از علل جامعیت کریستن‌سن و اهمیت کارهای او آنست که این دانشمند در تحقیقات خود بنام و یا نزدیک تمام آثار و نتایج تحقیقات خاورشناسان بزرگ اروپا توجه داشته و حتی از زبانهایی که اطلاع نداشته بوسیله مترجم استفاده کرده و همین کثرت مطالعه استاد علت وسعت کم نظیر اطلاعات و قدرت وی در تحصیل نتایج کلیه علمی راجع بتاریخ و فرهنگ ایران قدیم شده است...

زندگی این استاد جلیل وقف بر ایرانیان و لهجات و فرهنگ و تاریخ ایران بود، در کلام او هیچگاه جز آثار احترام و بزرگداشت ایران نمی‌بینید و او بی‌شک ایران را چون یک وطن ثانوی دوست می‌داشت و همین دوستی و علاقه او نسبت باین خاک عزیز، ما را بر آن می‌دارد که نخست از خدای بزرگ آمرزش روان او را مسألت کنیم و سپس برای رضای روح جاوید او و دوام فرهنگ و تمدن ایران، بقاء جلال و افتخارات آنرا از یزدان نیکی دهش بخواهیم و بگوئیم: آمرزیده باد روان کریستن‌سن، جاوید باد ایران و فرهنگ ایران.»

کتاب «نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار» با نثری استوار، درست و قابل درک و فهم عالم و عامی و با یادداشت‌های صحیح و «اضافات و اصلاحات» عالمانه

۵ و ۶ - ملخص از خطابه دکتر ذبیح‌الله صفا در مجلس یادبود مرحوم آرتور کریستن‌سن در فرهنگستان ایران، جلسه ۱۲ آذرماه ۱۳۲۴ خورشیدی منقول در کتاب «مزدآپرستی در ایران قدیم» ترجمه دکتر ذبیح‌الله صفا، شماره ۴ شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۵۷ خورشیدی، تهران، صفحات ۱۴-۱۱ مقدمه.

و توضیحات برای آسان ساختن فهم مطالب و بدست دادن راهنمای منابع و مراجع و تشخیص درست خواندن اعلام و لغات و کلمات، ترجمه و تحریر و تنظیم شده است، اما کتاب بسبب ضرورت فنی و کاملاً علمی و مستند بودن، چندان آسان فهم و آسان درک نیست، کثرت اقوال و غرابت کلمات و واژه‌های کهن و دقت در تطبیق که بروش آکادمیک وابسته برای عالمان و متخصصان نوشته شده، فهم و درک و بحافظه سپردن و فراگرفتن آن را برای خواننده عادی دشوار می‌سازد و در واقع می‌توان گفت خواننده عادی مطلبی مناسب ذوق و تضمین نمی‌خواند و در نتیجه ممکن است خسته شود و از خواندن کتاب سرباز زند. اما این مطلب نه‌عینی بر کار مؤلف است و نه بر کار مترجمان، بلکه طبع تحقیق ضرورت این استقراء و استقصاء عالمانه تخصصی و کاملاً فنی و مستند و ارجاعات متعدد و مکرر را اقتضا داشته است.

من بروزگار خویش، شایسته‌تر، امین‌تر، بصیرتر و دقیق‌تر از دکتر احمد تفضلی و خانم دکتر ژاله آموزگار را برای ترجمه این کتاب معتبر سنگین و بسیار مهم و بسیار فنی و تخصصی و علمی سراغ ندارم و مزید سلامت و توفیق این استادان نادرالوجود دانشگاه تهران را از خداوند جان و خرد خواستارم و امیدوارم برای آنکه کتاب اندکی هم‌ذوقی و تفننی و قابل عنایت مردمان عادی و ایرانیان علاقه‌مند بتاریخ و تمدن و فرهنگ و وطنشان، اگرچه کم سواد، قرار گیرد، مثلاً از گرشاسب‌نامه اسدی طوسی‌داستان سفر گرشاسب به جزیره سراندیب و زیارت گورگاه سیامک پسر نخستین انسان و پندهای پیر خردچند نگهبان گور جای سیامک و امثال این روایات منظوم یا منشور را در چاپهای بعدی، در ملحقات و اضافات بگجانند و حتی همت فرمایند و تحریر تازه‌ای از همین کتاب مستطاب را بصورت ساده‌تر و ذوقی‌تر برای مردمان عادی و غیر متخصص آماده چاپ فرمایند، تا طبع و نشر گردد، و عالم و عامی را بکار آید. بی‌شک آن تحریر شریف و جلیل را همه ایرانیان، همه دلبستگان به شاهنامه فردوسی خواهند خواند و بر مؤلف و مترجمان و ناشر درود و آفرین خواهند فرستاد. علامه جاودانه یاد محمدخان قزوینی در باب ترجمه جاد اول پشت‌ها به فارسی، در مکتوبی به استاد زنده یاد بسیار دان ابراهیم پورداود نوشته است: «...خواستم همانوقت مکتوبی خدمت سرکار در این خصوص عرض کنم و سرکار را باین خدمت بسیار مهم بادیات فارسی یعنی ترجمه اوستا بفارسی سلیس معمولی عوام فهم خواص پسند که شاید اولین مرتبه باشد بعد از اسلام چنین کاری انجام داده شده است تهنیت بگویم ولی حقیقتش اینست که بقول سعدی خجل شد چو پهنای دریا بدید. خودم و معاونات ناقصه خودم در جنب این کتاب عظیم‌القدر جلیل‌الشان کبیر الحجم ۶۲۷ صفحه‌ای کوچک دیدم و مداخله خودم را در این موضوع که مطلقاً بنده از آن بی‌اطلاع و سرکار تقریباً تمام عمر خود را در آن صرف کرده‌اید بکلی بی‌محل دانستم.»^۷

قیاس مع الفارق است، اگر من بنده راقم این سطور، در هزارمین درجه و طبقه

۷- بیست مقاله قزوینی، از انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا، تهران، ۱۳۲۲ خورشیدی، جلد

دوم (مکتوبی به آقای پورداود)، صفحه ۲۳۵.

حتی ادعای شاگردی آن دو علامه بزرگ را بنمایم ولی استناد من به اقوال و رفتار و آثار آن بزرگان گرانمایه بدان جهت است که شاید موجبی برای پوزش خواهی سیمرغ‌مآبی ناقابلی چون من در عرصه وسیع و لایزال دنیای فرهنگ و ادب درخشان و فیاض و پایدار دوره ایران باستان باشد و من بی‌یقین اعتقاد دارم که کار بزرگ مرحوم کریستن‌سن با کتاب اوستا و یشت‌ها و کار مترجمان فاضل کتاب با کار شادروان پورداود مشابهتی بی‌گفتگو دارد و امیدوارم همه اهل بصیرت نیز پس از خواندن کتاب نخستین انسان و نخستین شه‌ریار به‌چنین اعتقادی از سر صدق دل‌بسته شوند.

حسینعلی ملاح

شوشتری برای ویلن و ارکستر

(بر اساس اثر ابوالحسن صبا) - از حسین دهلوی، ۱۳۶۴

کتابی معرفی می‌شود که کلمات، بیان‌کننده اندیشه نویسنده، یا مترجم آن نیستند، بلکه بیانگر فکر آفریننده نخستین، و نشان دهنده قدرت آراینده و ارائه دهنده آن به گونه علمی، نغمات، و یا بنا به اصطلاح این روزگار «نوت»‌های موسیقی هستند. این اثر موسیقی چند صوتی (پولیفونیک) به‌جای اینکه بالفعل ارائه گردد، به‌گونه اثری بالقوه، بنام «شوشتری برای ویلن و ارکستر» توسط موسیقی‌دان معاصر آقای حسین دهلوی (استاد و رئیس پیشین هنرستان عالی موسیقی ملی) چاپ و در دسترس جامعه موسیقی علمی نهاده شده است.

در سالهای گذشته، تعداد قابل ملاحظه‌ای اثر موسیقی برای یک یا دو ساز، چاپ و انتشار یافته است، ولی هیچیک، اثری تا این مایه دقیق و کامل و منطبق با تکنیک نوت‌نویسی موسیقی بین‌المللی، آنهم برای سازهای یک ارکستر نسبه مجهز نبوده است. این بار، یکی از نواهای دلنشین محلی، که توسط مرحوم صبا یادداشت، و برای تکنوازی ویلن، به‌صورت چهارمضرب آراسته شده بود، بدست توانای هنرمندی آگاه و فرزانه، به‌شیوه علمی، برای «ویلن و ارکستر» نوشته شده، و بخش‌رهب‌ری ارکستر، با «پارتی‌تور Partitur» آن به‌گونه‌ای منطبق با اصول نوت‌نویسی بین‌المللی به چاپ رسیده است.

مرحوم صبا، درباب چگونگی یافتن این نوای محلی نوشته است: «آوای سوخته دلی از دیار لرستان، که صدای خسته‌اش آلوده به‌غم زمانه بود، از لابلای میله‌های آهنین وسیاه نقلیه‌ای که جسم ناتوان و رنجور او و دیگرانی چون او را به‌زندانی می‌برد چنین به‌گوش می‌رسید:

مثل بیشتر مزنم تیر و برنشونه

.....

مثل پیشتر نمی‌توانم تیر را برنشانه بزیم
بالم را چرخ روزگار شکسته، دلم را زمانه